

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید مهتم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRRARANNEWS.IR

۴شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

۴۰٪

۱۹°

۷°

۱۷

۱۲

۱۸

۱۱:۳۴:۴۱

۱۲:۵۱:۲۴

۱۷:۵۵:۲۲

۱۸:۱۳:۴۹

اذن ظهر

غروب آفتاب

اذن مغرب

نیمه شب شرعی

اذن صبح فردا

طلوع آفتاب فردا

دمای هوای مشهد

اوقات شرعی مشهد

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید مهتم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRRARANNEWS.IR

۴شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

۴۰٪

۱۹°

۷°

۱۷

۱۲

۱۸

۱۱:۳۴:۴۱

۱۲:۵۱:۲۴

۱۷:۵۵:۲۲

۱۸:۱۳:۴۹

اذن ظهر

غروب آفتاب

اذن مغرب

نیمه شب شرعی

اذن صبح فردا

طلوع آفتاب فردا

دمای هوای مشهد

اوقات شرعی مشهد

حَدِیث

امام رضا(ع):

نَیْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ، وَانَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّوَكُّلِ فِي أَمْرٍ...

عبادت به بسیاری روزه و نماز نیست، بلکه به بسیار اندیشیدن در امر خدا (و عظمت‌های آفرینش ژرف و پهناور جهان و اسرار آفرینش انسان) است.

بحارالانوار ۳۲۵/۷۵، کافی ۴/۵۵.

هنر روز

اثری از علیرضا پوراگری و سپیده حسین جواد

چکامه

خراسان مَهر دریا می‌شود با گام‌های تو

خراسان در خراسان نور در جان تو می چرخد مگر خورشید در چاک گریبان تو می چرخد؟

خراسان مهر دریا می‌شود با گام‌های تو به دست ابرها تسبیح باران تو می چرخد

اگر شوق وصال نیست در آینه‌ها، درها چرا آینه در آینه، ایوان تو می چرخد

طواف عاشقان هم بر مدار چشم‌های توست سماع صوفیان هم گرد عرفان تو می چرخد

به ساقان‌ات زیباست رقص کاسه‌های نور در این پیمانه، آن پیمانه، پیمان تو می چرخد

بیابان در بیابان گرگ شد، هر کوه، صیادی چقدر آهوی زخمی در شیبستان تو می چرخد

در این آینه لبریز از آغاز گل، شاعر! شروع تازه‌ای در بیت پایان تو می چرخد

علیرضا قزوینی

اول شخص

مصائب تلخ رضای دوست داشتنی

به یاد رضا داوودنژاد، بازیگر ۴۳ساله سینما و تلویزیون که در آخرین روز تعطیلات سال نو، ناباورانه از میان ما رفت

عصر آخرین روز از تعطیلات نوروزی سال جدید بود. هرکداممان گوشه‌ای در حال مرور روزهایی که گذشت، احتمالاً صفحه تلفن همراه و صفحات مجازی را بالا و پایین می‌کردیم که انگشت شستمان روی تصویر رضا داوودنژاد متوقف شد.

حتی شاید در لحظه آرزو کردیم این همان شوخی بی‌مزه دروغ سیزده باشد که چند سالی است بین ایرانی‌ها رایج شده است، اما هیچ مرجع خبری، خیال تکذیب کردن نداشت. عکس‌های سیاه و سفید اما همیشه خندان رضا داوودنژاد، با نوار مشکی اریب گوشه تصویر گواهی می‌داد اتفاق، افتاده است.

می‌گویند آدم‌ها در لحظه مرگ، تمام زندگی‌شان را از کدکی تا آخرین دم حیات، به خاطر می‌آورند. پیش از شش سالگی رضا را نمی‌دانم اما یقین دارم لایه‌های خاطرات ریز و درشت کودکی‌اش، حتماً به یاد آورده آن روزهایی را که گوشه پیراهن پدر را می‌کشیده و تکرار می‌کرده است: «بابا من هم دلم می‌خواهد بازیگر شوم». حتماً برایش تصویر نخستین بازی برابر دوربین سینما، مرور شده است. فیلم «بی‌پناه».. سال ۱۳۶۵. وقتی رضا داوودنژاد شش ساله، برای اولین بار طعم شیرین بازیگری را در فیلم پدرش، تجربه کرد و بعد حتماً همه چیز به سرعت تا هجده سالگی‌اش جلو می‌رود. روزهای مدرسه و تحصیل و تمرکز روی

درس‌ها یا جاشنی شیطنت‌های نوجوانی و بازی کردن و تصور رؤیای شیرین بازیگری. پس از هجده سالگی درست در سال ۱۳۷۷ برای دومین بار با انگیزه و قدرتی بیش از گذشته، بار دیگر فرصت بازی در یکی از فیلم‌های پدر را پیدا می‌کند، «مصائب شیرین». عاشق پیشگی دل‌نشین و دوست داشتنی‌اش در این فیلم، نه تنها بر دل مخاطب می‌نشیند که در نظر داوران جشنواره فیلم فجر نیز، شایسته نامزدی در رشته بهترین بازیگر نقش اول مرد می‌آید. این لحظه را حتماً به خاطر خواهد آورد. این اوج شهرت و موفقیت در ابتدای راهی بوده که از کودکی سودای آن را داشت. آن چنان که در دهه ۸۰ فرصت یافت تا در دوازده اثر سینمایی و شش سریال تلویزیونی بازی کند. او که در نیمی از آثار دهه ۸۰ کارنامه‌اش، خود را زیر بیرق نام پدر پیرون کشیده

بود. برای اثبات توانایی‌های خود، با دیگر کارگردان‌های آن ایام همکاری کرد و در رقابت با چهره‌های نوظهور بازیگری تلاش کرد. برگ‌پرنده رضا داوودنژاد در ابتدای دهه ۸۰، پیشنهاد بازی در سریال پرمخاطب «پشت‌کنکوری‌ها» بود. او که عموماً در انتخاب نقش‌های پیشنهادی، ژانر کم‌دی را به درام ترجیح می‌داد، به خوبی دریافته بود می‌تواند هرآنچه از پدر آموخته را با میمیک دوست داشتنی، فیزیک نمکین و بیان دل‌نشین خود ترکیب کند تا به یکی از بازیگران محبوب دهه ۸۰ تبدیل شود. اما به مرور، همان فیزیک متفاوت که او را در ایفای نقش‌های گوناگون به گزینه‌ای متفاوت برای کارگردان‌ها تبدیل کرده بود، کیفیت زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار داد. از اوایل دهه ۹۰ درست در اوج دوران پرکار بازیگری مسیر زندگی‌اش با نارسایی کبدی به بیمارستان‌ها افتاد و در ادامه، کار به پیوند کبد کشیده شد. بعد از مدتی، اسیر جراحی دوباره شد و بعدتر با

علیرضا داوودنژاد در سال ۱۳۷۷ به سراغ سوزه‌ای اجتماعی رفت که بر بستر داستانی عاشقانه، به یکی از محترم‌ترین آثار دهه ۷۰ تبدیل شد. داستان فیلم درباره رضاست. شخصیتی با بازی مرحوم رضا داوودنژاد که دل‌پسته دختر دایی‌اش مونا را بازی مونا داوودنژاد می‌شود اما در ادامه با مخالفت و اختلافات خانوادگی به چالش‌های پیچیده‌ای دچار می‌شود. نام رضا داوودنژاد با این فیلم بر سر زبان‌ها افتاد و در جشنواره فیلم فجر همان سال، مورد تحسین منتقدان قرار گرفت.

عاشقانه‌های سیاوش

رمضان سال ۱۳۸۱ بود که یک مجموعه تلویزیونی با عنوان «پشت‌کنکوری‌ها» به کارگردانی پریسا بخت‌آور، به گل سرسبد آثار تلویزیونی تبدیل شد. یک سریال کم‌دی با بازیگران محبوبی چون علی صادقی، برزو ارجمند، سعید آقاخانی و... که مرحوم رضا داوودنژاد در نقش سیاوش، مسیر داستان را با عشق به دختری به نام مریم تغییر می‌دهد. شرط ازدواج خانواده دختر محبوب سیاوش، قبولی در کنکور دانشگاه بود. قصه‌ای پرکشش و طنزآلود که در آن ایام مخاطب بسیاری را با خود همراه کرد و همچنان پس از دو دهه در بازپخش‌های متعدد، هواداران بسیاری به دنبال دارد.

روایت رضوی

زائری که عاقبت به خیر شد

روزنامه نگار سید محمد رضا هاشمی

روایت یک قاب

هماهنگی چشم نواز یک میهمانی

عکاس و نویسنده سید سبحان

نقطه شگفت‌عکاسی و شاید به شکلی دیگر بتوان گفت جذابیت و زیبایی عکاسی در این است که به طور معمول و در بیشتر آثار، عکاس استقلال و رویکرد شخصی خود را به موضوع دارد. این بدان معناست که از یک سوزه ثابت یا موقعیتی همگانی و تکراری، عکس‌هایی متفاوت و غیرتکراری تولید و ثبت می‌شود. زیرا هر عکاس بین ذهنیت و عینیت مقابله از چیزی به اسم نگاه شخصی برخوردار است که از جهان بینی تربیتی و خاستگاه استعدادی‌اش برمی‌خیزد. این است که در آثار برخی عکاسان عنصر دراماتیزه و شاعرانه، برخی نگاه سیاه و متقدانه، برخی وجوه زندگی طلبانه، برخی نگاه فرم‌گرایانه و... دیده می‌شود. نگاه گرافیکی در عکاسی به رویکردی اتلاق می‌شود که از شکل، هندسه و رنگ برای ایجاد تصاویری شبیه طرح‌ها یا نقاشی‌ها استفاده می‌کند. عکس‌هایی که دارای عنصر گرافیکی قوی هستند، اغلب اشیای ساخته دست بشر مانند ماشین‌آلات، معماری یا موضوعات طبیعت را با اشکال هندسی نشان می‌دهند. برای دستیابی به ظاهری گرافیکی، به طور معمول نکاتی مانند جست‌وجوی منحنی‌ها و خطوطی که شکل و رنگ را متضاد می‌کنند، استفاده از تضاد رنگی برای تشخیص اشکال و بازی

با کنتراست نور مورد توجه قرار می‌گیرد. سید محمد مهدی قدس علوی، عکاس جوانی است که در برخی آثارش این نگاه را آگاهانه داراست. عکس لانگ‌شات (نمای باز) او از سفره‌های پهن شده افطاری در حرم مطهر امام رضا(ع) نمونه‌ای از متفاوت دیدن و آشناندایی بیننده از تعریف میهمانی افطار است. در این عکس جزئیات و اجزای درون عکس چون دانه‌های تسبیح تشکیل‌دهنده یک گل چشم نواز هستند. انتخاب زاویه کادر، انتخاب نما، ایجاد تقارن، تقسیم